بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استانی فارس

روزنامه داخلی بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استان فارس

شماره ۲ - ۲۲ شهریور ۱۳۹۶

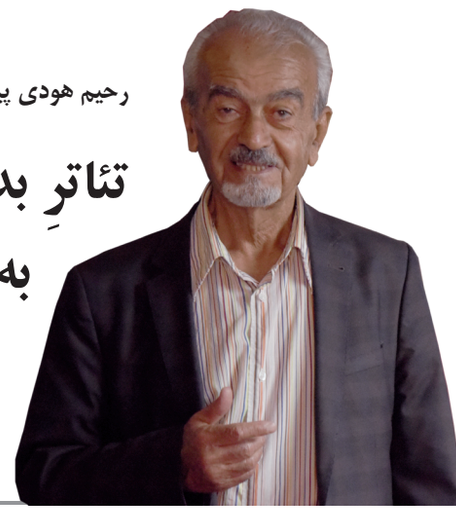

رحیم هودی پیشکسوت تئاتر شیراز:

تئاترِ بدون تماشاچی به درد نمی خورد

۲

تئاتری های لامرد با یک کمدی به جشنواره آمدند

لبخند تالار سبز به «جاندارمری»

۲

نظم و احترام حرف اول و آخر جشنواره بیست و هشتم

فرش قرمز برای اهالی هنر ششم

تلاش برای ترمیم رابطه مخاطب با تئاتر

منهای جشنواره

۳

روایت قجریِ گروه نفیر «قیر و کارزین» از نمایشنامه رضا گشتاسب

باد در بلوط های تماشاخانه هودی پیچید!

۳

جن گیری آنه میشل در تماشاخانه پور شکیبایی

۳

نذر و نیاز متفاوت برای نجات فرزند

آخ اگه بارون بزنه ...

در دومین روز از جشنواره تئاتر استانی فارس نمایشی آمیخته با تعزیه و با عطر و بوی روز عاشورا در تماشاخانه سپاسدار به روی صحنه رفت. این نمایش که با تعزیه خوانی زوجی بر روی صحنه آغاز می شود ابتدا مخاطب را به این اندیشه می برد که آنچه خواهد دید در ادامه همین تعزیه خوانی و مقتل خوانی است یا داستانی دیگر در راه است.

امتزاج زندگی زوجی که برای درمان بیماری ناعلاج فرزندشان نذر سه روز تعزیه کرده اند با مصایبی که بر امام حسین(ع) رفته است و نیز اتفاقاتی که پس از روز عاشورا بر خاندان امام حسین(ع) رفته است، با رنجی که این زوج در زندگی می کشند در می آمیزد و در رفت و برگشت هایی مداوم به افشای رازی می انجامد که زندگی این دو زوج را تحت تاثیر قرار می دهد. اما آنچه در انتها نجات بخش است بارقه ای از امید است که در دل مرد داستان بیش از زن خودنمایی می کند.

بازی با علمی چوبی که بی شباهت به صلیب نیست و پیوندی میان رنج ادیان برقرار می کند در این نمایش خودنمایی می کند و یادآور رنجی است که در این نمایشنامه از ابراهیم پیامبر آغاز می شود و مسیح را به یاد می آورد و در ادامه به مصائب اولاد پیامبر اسلام ختم می شود.

در این میانه پیوند رنگ های گونه گون بر روی صحنه و نیز آمیختگی آواز و تعزیه و روضه با روایت دشواری های زندگی آرش و شهره، دو زوج این نمایش، نشان از تلاش گروه برای جلب نظر مخاطب دارد.

ادامه در همین صفحه

نذر و نیاز متفاوت برای نجات فرزند

آخ اگه بارون بزنه ...

بقیه از صفحه اول

البته نباید از خاطر برد فزونی رنج و گریه و گلایه در این اثر مخاطب را کمی بی حوصله و بی تاب می کند و تکرار میزانسن ها و دیالوگ ها با همه رنگ هایی که در فضا به چشم میخورد نمی تواند بیننده را دوباره به داستان باز گرداند و در لحظاتی او را از داستان جدا می کند و طناب ارتباط با روایت را می برد.

باید پذیرفت ترکیب چنین نمایش هایی با آیین های مذهبی و سوگ ها بر شدت رنجی که نمایش نامه تلاش بر القای آن دارد، می افزاید؛ اما زمان طولانی آن و گلایه های مدام شهره به همسرش دست بازیگر را در ارائه بازی های خلاقانه بسته است. به نظر می رسد در صورت کاهش زمان اجرا و حذف برخی دیالوگ های تکراری و نیز اعتماد به ذائقه و پیشینه مخاطب می توان اجرایی تازه تر و دلچسب تر ارائه داد.

سمیرا متین نژاد: اجرای نمایش آخ اگه بارون بزنه با تم تعزیه یادآور روزهای سوگواری امام حسین (ع) است. نمایش هایی آیینی در روزهای محرم از دیرباز و از دوران قاجار آغاز شده است؛ هرچند مایه هایی از سوگواره در روزگاران اساطیری و برای مثال پس از مرگ سیاووش در تاریخ هنری و آیینی و ادبی ما موجود است، آنچه امروز از تلفیق این سوگواره ها بر جای مانده، همین تعزیه عاشوراست. این تعزیه ها بنابر شواهد از سالیان ابتدایی اش با لوازمی همچون علم و ماسک و زره پوشی و رنگ های خاص همراه بوده است. به همین بهانه نقبی زده ایم به چهره پردازی در دوران قاجار و نقش ماسک ها در اجرای این نمایش.

ماسک و چهره‌آرایی در تعزیه‌های دوره‌ی قاجار

در ابتدای دوره‌ی قاجار در سال ۱۲۰۰ ه.ق. تعزیه به دلیل حمایت شاهان و طبقه مرفه دامنه‌دارتر شد و در دوره ناصرالدین شاه ۱۲۶۴-۱۳۱۴ ه.ق. و تحت حمایت او به اوج توسعه و شکوه خود رسید. در همین زمان بود که به دلیل دخول اعیانیت و حمایت شاه نسخه‌های تعزیه اصلاح شد و پاره‌ای جنبه‌های تفریحی و مضحک به آن راه یافت. دیری نگذشت که با افزایش نسخه‌خوانان خنده‌آور، تعزیه‌های مضحک پدیدار گشت. استفاده از ماسک و چهره‌آرایی در همین دوران و با به‌وجودآمدن تعزیه‌های مضحک به اوج خود رسید. کاربرد ماسک در نمایش‌های تعزیه به منظور پوشاندن هویت بازیگر در نقش‌های غیرانسانی اعم از حیوانات، شیاطین، نوکران، دیوها و اجنه است. در این پژوهش، ماسک وچهره‌آرایی در تعزیه‌های دوره قاجار، ویژگی ماسک‌ها، وسایل و موارد مورداستفاده در چهره‌آرایی نسخه‌خوانان تعزیه مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن چند نمونه از چهره‌آرایی و تعدادی از ماسک‌های شبیه‌خوانی‌های تکیه‌ی دولت معرفی می‌شود.

در دوران سلطنت آغامحمدخان قاجار ۱۱۹۳-۱۲۱۱ ه.ق. و جانشینش فتحعلی‌شاه ۱۲۱۱-۱۲۵۰ ه.ق. که نیم قرن به درازا کشید و نیز در دوره‌ی ده ساله‌ی پادشاهی محمدشاه ۱۲۵۰-۱۲۶۴ ه.ق. تعزیه در سراسر ایران در حال گسترش و رشد و تحول بود. اما چنان که قبلا اشاره شد اوج تحول و گسترش تعزیه و تعزیه‌خوانی را باید در دوران پنجاه ساله‌ی سلطنت ناصرالدین‌شاه جست‌وجو کرد. «او که بیش از شاهان دیگر قاجار به تعزیه علاقه و دلبستگی داشت و از همه چیز برای خود وسیله تفریح و سرگرمی می‌تراشید، شبیه خوانی را وسیله‌ای برای اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد»

به‌تدریج حالت سرگرم‌کننده تعزیه بر جنبه‌ی عزادارانه‌ی آن غلبه کرد و نوعی مقدمه به تعزیه افزوده شد که «پیش‌واقعه» خوانده می‌شد. کمی بعد، هجو و تحقیر دشمنان دین بهانه‌ای شد تا جنبه‌های مسخره و مضحکه به این متن‌ها راه پیدا کند و تعزیه‌نامه‌های مضحک با عنوان گوشه، صورت مستقل پیدا کرد. دراین دوران استفاده از ماسک یا صورتک همراه با همین تعزیه‌های مضحک رواج یافت. چنانکه دراین تعزیه‌ها تمامی موجودات غیرانسانی اعم از حیوانات، اجنه، دیوها، فرشتگان از گریم و ماسک بهره می‌گرفتند. اما باید گفت استفاده از ماسک تنها به این تعزیه‌ها محدود نمی‌شد، بدین معنا که در بسیاری از تعزیه‌های اصلی هم برای نشان‌دادن اشخاص غیرانسانی از گریم و ماسک استفاده می‌شد که به آن‌ها در ادامه اشاره خواهد شد. در زمینه‌ی تعزیه و تعزیه‌خوانی و اسباب و وسایل موردنیاز برای اجرای آن، محققان بسیاری دست به تحقیق و پژوهش زده‌اند و کتاب‌ها و مقالات بسیاری هم در این زمینه به چاپ رسیده است؛ اما آنچه مسلم است هیچ‌یک از آنها به کاربرد ماسک و چهره‌آرایی توجه خاصی نکرده و تنها به اشاراتی کوتاه در این مورد بسنده کرده‌اند. در تحقیق حاضر کوشش بر آن است تا از طریق منابع کتابخانه‌ای و همچنین مشاهدات نگارنده موارد و دلایل مورد استفاده‌ی ماسک و چهره‌آرایی و همچنین ویژگی برخی ماسک‌ها و موارد بکار برده شده برای چهره‌آرایی در تعزیه‌های دوره قاجار مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این بررسی از نوع توصیفی تحلیلی محسوب می‌شود و این تحقیق از نوع تحقیقات نظری و میدانی است.

چهره‌آرایی:

چهره‌آرایی همیشه در تعزیه و به خصوص تعزیه‌های مضحک وجود داشته است. چون در دوره قاجار نقش زنان را در تعزیه پسران جوان بر عهده داشتند، بنابراین یا اینکه چهره خود را با روبنده یا پارچه سیاه می‌پوشاندند و یا با چهره بزک‌کرده به اجرای نقش می‌پرداختند؛ بدین صورت که برای تغییر چهره، آرد یا سفیداب روی چهره می‌مالیدند. گونه‌ها و لب‌ها را قرمز می‌کردند. خطوط ابروان را با سرمه ترسیم می‌کردند. و کلاه گیس زنان بر سر می‌نهادند

چهره امامان در تعزیه معمولا با پارچه سفیدی پوشانده می‌شد و چون همگی آنها از معصومان بودند، بنابراین هیچکدام چهره‌آرایی نداشتند و ناگزیر می‌بایستی شمایل آن‌ها با نقشی که بازی می‌کردند مناسب باشد اما چون خمیرمایه‌ی تعزیه‌های مضحک و شادی‌آور، تمسخر مخالفان و معاندان دین بود و جنبه شادی‌آور آن نیز بر همین موضوع متکی بود، برای نسخه‌خوان‌های شخصیت‌های مخالف و منفی مثل شیطان، نوکران، دیوها و اجنه از گریم غلیظی بهره می‌گرفتند. در این تعزیه‌ها مالیدن، گل بر چهره و سر و صورت نشان عزاداری بود. چهره‌ی غلام حبشی حضرت علی(ع) را به رنگ سیاه و چهره شیطان را به رنگ قرمز رنگ آمیزی می‌کردند. چهره‌ی مالک دوزخ، پادشاه و جنیان غیرعادی خالدار بود و برای زخمی‌شدن رنگ قرمز به کار برده می‌شد

بطور کلی می‌توان گفت چهره‌آرایی در تعزیه‌های دوران قاجار فقط در مواردی که لازم بود چهره‌ی شبیه تغییر کند و با استفاده از مواد بسیار ابتدایی همچون آرد، سفیداب، سرخاب، سرمه و غیره صورت می‌گرفت و بیشتر از ماسک برای نشان دادن شخصیت مورد نظر بهره می‌گرفتند.

تئاتری های لامرد با یک کمدی به جشنواره آمدند

لبخند تالار سبز به «جاندارمری»

عباس پرانداخته کارگردان اثر کمدی جاندارمری که این اثر را از لامرد به جشنواره استانی تئاتر فارس آورده است، روز گذشته این نمایش را در سه سئانس با هشت بازیگر روی صحنه برد. این گروه با تمرینی پنج ماهه اثر را به جشنواره استانی رسانده است، کارگردان جاندارمری با بیان اینکه سعی کرده ایم از بازیگران باتجربه و کم تجربه در کنار هم استفاده کنیم، عنوان کرد: در ابتدا بنا بود نقش کدخدا را مرد بازی کند؛ اما درنهایت تصمیم گرفتیم بازیگر زن را جایگزین کنیم؛ همچنین نقش گلی در ابتدا با کاراکتری به نام قلی پرداخته شده بود که بعد با افزوده شدن زهرا رضایی به کار آن نقش را به گلی تغییر دادیم و در این تحولات فضای کلی روستا را بیشتر نشان دادیم و گروه های مختلف اجتماعی کوچک را در اثر درگیر کردیم. پرانداخته درخصوص دکور ساده و سبک جاندارمری نیز توضیح داد: قصدمان هم این نبود که بر صحنه از دکور سنگین و آکسسوار زیاد استفاده کنیم و میخواستیم همه چیز را سبک و قراردادی درنظر بگیریم که این موضوع در اجرا نیز تقریباً به چشم می خورد. کارگردان اثر که خود نویسندگی این نمایش را نیز برعهده داشته است، از شکل گیری نمایشنامه در جریان تمرین های گروهی و همفکری های گروه یاد می کند و در این باره می گوید: ایده طراحی و نویسندگی نمایش از نشست هایمان با اعضای گروه شکل گرفت. به صورت متناوب گرد هم جمع می شویم و فیلم یا فیلم تئاتر می بینیم. دیدن نمایش پچپچه های پشت خط نبرد ذهنیتی را پدید آورد که درنهایت آن متوجه شدیم میتوانیم کاری را با این تم ارائه کنیم. کارگردان جاندارمری که مدرک کارشناسی کارگردانی تئاتر از دانشگاه آزاد شیراز دارد یکدستی گروهش را مرهون تلاش های مداوم و خواستن های مدام آن ها می داند. وی در جشنواره بیست و پنجم نیز موفق به دریافت جایزه طراحی لباس برای کالبد شکافی یک میهمان شد.

سمیرا متین نژاد: نمایی کاه گلی با دو نردبان، کنگره هایی قلعه مانند و یک صندلی در میان صحنه همه آنچه است که در نخستین مواجهه تماشاگر با صحنه به چشم میخورد. فضایی که از آغاز با لهجه های گوناگون گوشنواز شده است و با تصاویری بومی در مقابل دیدگان مخاطب به اجرا در می آید.

جاندارمری یک کمدی جاندار است که کمتر از گروه شهرستانی دیده می شود. این اثر با تعلیق های مناسب در نمایشنامهٔ بازی های بسیار خوب و مبالغه هایی ملموس تماشاگر را تا پایان با خود همراه می کند و او را میخنداند.

داستان در روستایی رخ می دهد که زنی کدخدای آن است. همین هنجار شکنی اثر را مطلوب تر کرده است، در این میان کتی که کدخدا بر قامتی با لباسی زنانه بر تن دارد، طعنه هایی به ساختار مردسالارانه روستا و نظام ارباب رعیتی در زمان های دور میزند و آن قلدرمآبی و تیزهوشی شخصیت کدخدا را به خوبی توجیح می کند.

مهم ترین نکته ای که در این اثر به چشم میخورد، سادگی است. سادگی در همه ارکان آن به دید می آید: در نمایشنامه، دیالوگ و حتی طراحی صحنه. این نمایش درواقع به رخ کشیدن بردگی انسان هایی است که در چارچوبی ارباب رعیتی، مواجب بگیر و بله قربان گویِ آنکس هستند که به آن ها پول و باج میدهد. در چنین سیستمی وقوع فساد به راحتی به چشم میخورد و این ناهنجاری ها به خوبی جلوه می کند.

در این میان حضور شخصیت استوار برای حل کردن معمای گم شدن استوار ایاز با بازی خوب عادل صفایی در به وجود آوردن صحنه های کمیک و همچنین تعلیق ها به مخاطب کمک می کند.

دیگر نقش برجسته در این نمایش نقش صفدر است که با تمام حماقت ها و دیوانگی هایش و تیک های عصبی و مشمئز کننده اش، تیپی دوست داشتنی خلق می کند که در عین حال با بی فرهنگی است و تمام جلوه های یک انسان احمق را به نمایش می کشد.

این کاراکتر نقشی کلیدی در پیشبرد داستان دارد و با رک گویی های یک انسان کم عقل بار اصلی نمایش را بر دوش می کشد و شاید بیش از نقش اول آن در تکمیل پازل بازیهای دلچسب موثر است.

جاندارمری در نوع خود اثری دوست داشتنی است که مهم ترین ویژگی آن همراهی پنجاه دقیقه ای مخاطب با آن است و ایجاد صحنه هایی کمیک که در عین سادگی نشان دهنده توانمندی و تلاش گروه است.

رحیم هودی پیشکسوت تئاتر شیراز:

تئاترِ بدون تماشاچی به درد نمی خورد

حسن دهقان: وقتی پرسیدم «کارها چه طور بود؟» اول چند ثنیه ای فقط به صورتم خیره شد تا آنجا که فکر کردم سئوال بدی پرسیدم! انگار متوجه دست پاچگی ام شده باشد زود گفت: هنوز سه نمایش بیشتر ندیده ام و نمی توانم فضای کلی کارها را قضاوت کنم.

رحیم هودی بعد از دیدن یکی از نمایش های بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فارس، در لابی تماشاخانه ای که به نام خودش است، نشسته بود و چای می نوشید که سراغش رفتم. غافلگیر شد و شاید به همین دلیل پاسخ سئوالات نخستم را تلگرافی داد. خیلی با سه نمایشی که دیده ارتباط نگرفته بود و دلیل آن را هم اینطور توضیح داد: «ببین دهقان جان! تئاتر برای دیدن است. بعضی از این کارها آدم نصف وقتش را در تاریکی می گذراند که دیگر نمی شود نام ان را نورپردازی گذاشت.»

این چهره پیشکسوت تئاتر شیراز از موضوع دیگری هم گلایه داشت. او گفت: «جهان بینی استواری پشت بسیاری از آثار نمایشیِ این روزها وجود ندارد و تئاترها دغدغه ها و اندیشه های جامعه را آن چنان که باید و شاید نمایندگی نمی کند.» هودی که در دهه ۳۰ شمسی فعالیت جدی تئاتر را با بازی در تئاتر سعدی شیراز و نمایش های «حوریان حرم» و «عینک مضحک» آغاز کرده در ادامه البته بازیِ بازیگران نمایش هایی را که دیده بود تحسین کرد. او گفت: ایده های خوبی پشت نمایش ها وجود دارد اما به نظر می رسد باید به پختگی لازم در کارگردانی و بازیگردانی برسد. این هنرمند پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون بر این نکته تأکید کرد که هنرمند باید برای مخاطب به تولید اثر بپردازد و در این میان هنر تئاتر نقش بسیار حساس تری دارد. هودی گفت: نمایشی که نتواند مخاطب را روی صندلی میخکوب کند به درد نمی خورد حالا چه مدرن باشد چه سنتی. او افزود: من هرگز با استفاده از روش و مانیفست های نوآورانه در تولید اثر نمایشی مخالف نیستم و اتفاقاً بر استفاده از آن ها تأکید هم دارم اما اگر هنرمندانِ جوان درگیر فرم شوند و محتوا را فراموش کنند، نتیجه ای جز ریزشِ مخاطبان اندک نخواهد داشت و مردم دیگر رغبتی برای حضور در سالن های تئاتر ندارند. هودی یک غافلگیری ویژه هم برای مراسم پایانی جشنواره بیست و هشتم دارد. شعری که درباره تئاتر سروده و انگار قرار است در نماهنگ مراسم پایانی بخش هایی از آن را بخواند. شعر را برایم خواند و خواست که منتشر نکنم تا در نماهنگ تازگی داشته باشد اما این عبارت از شعر هودی که حرف دلش بود و انگار حلقه گمشده هنر این روزهاست در ذهنم رسوب کرد: «صحنه تئاتر محراب من است!!»

رحیم هودی در کنار حسن دهقان سردبیر روزنامه جشنواره / عکس: شیوا عطاران

فرش قرمز برای اهالی هنر ششم

ابوالفضل فرهادی کارگردان تئاتر و مسئول تماشاخانه هودی / عکس شیوا عطاران

حسن دهقان: کسانی که همین چهار پنج سال پیش جشنواره استانی تئاتر را دیده اند حتما با من هم داستان هستند که «نظم» و «احترام» جشنواره تئاتر استان امسال چیز دیگری است. نمایش ها تأخیر ندارد و اگر هم با تأخیری کوتاه و قابل قبول هم مواجه است، اغلب به خاطر بستن دکورهای سنگین و موارد فنی است نه عدم هماهنگی کادر اجرایی. امسال مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، اجرای جشنواره را کاملا به انجمن نمایش استان و دبیری آن را به حمید وامق رییس انجمن سپرده و همه چیز خوب پیش می رود گرچه نمی شود از تلاش های بهاره شفیعی رییس اداره ادبی هنری ارشاد فارس و دبیر اجرایی گذشت. با این حال اتفاقات خوبی در حال روی دادن است. پوستر همه نمایش ها در لابی تالار حافظ به نمایش گذاشته شده و اجراها طبق جدول و بدون کم و کاست انجام می شود. البته جشنواره بیست و هشتم تئاتر فارس مدینه فاضله نیست و بدون شک کمبودهایی هم دارد اما اگر آن را با گذشته ای نه چندان دور مقایسه کنیم، اتفاقات، همه خوب است. در این میان ابوالفضل فرهادی در تماشاخانه هودی کاری کرده است کارستان. آشنایی من با او اجرای نمایش «کسوف» و درو کردن جوایز جشنواره در دو دوره قبل بر می گردد. او حالا بازرس انجمن نمایش استان است و مسئول تماشاخانه هودی. این کارگردان جوان تماشاخانه هودی را زیر و رو کرده است. دیگر از داربست های بد قواره و رنگ و رفته و ازدحام مخاطبان خبری نیست. در تماشاخانه هودی برای اهالی تئاتر فرش قرمزی پهن شده است و از زمان مدیریت فرهادی احترام به مخاطب بیش از گذشته معنا پیدا کرده است.

لابی این تماشاخانه به فضایی شبیه گالری تبدیل شده و سر و شکلی مناسب پیدا کرده، روی صندلی ها دیگر کمر درد نمی گیری و صدای شورانگیزِ کودکانِ پارک شهر از روی چرخ و فلک تنِ تئاتر های فلسفی را نمی لرزاند!!

منهای جشنواره

تلاش برای ترمیم رابطه مخاطب با تئاتر

سمیرا متین نژاد: در حاشیه جشنواره استانی تئاتر فارس، نشست خبری نمایش عاقبت عشاق سینه چاک در سالن کنفرانس اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس برگزار شد.

این نمایش به کارگردانی مانی آبادیان از بیست و سوم شهریور ماه در تالار احسان به مدت سه شب بر روی صحنه خواهد رفت و حامد فقیهی نیز در آن به اجرای دو قطعه لاتین می پردازد.

معاون سینمایی ارشاد فارس در نشست خبری نمایش عاقبت عشاق سینه چاک گفت: این روزها اتفاقات خوبی در حوزه تئاتر درحال وقوع است که با هدف رونق اقتصاد هنر نمایش روی میدهد.

مهدی رنجبر با تاکید بر اینکه حضور مردم برای تماشای تئاتر حامی هنرمندان است، بیان داشت: اگر اقتصاد هنر بلنگد کار خوب اجرا نمی‌شود و ما برای آثاری که برای این مهم تلاش کنند بسته حمایتی و افزایش سانس را درنظر گرفته ایم.

آبادیان در جمع خبرنگاران با بیان اینکه برای ترمیم ارتباط تئاتر با تماشاگر این نمایش را اجرا می کنیم، گفت: در تلاشیم با تکیه بر این دیدگاه و با ارائه اثری متفاوت و نیز تلفیق دو هنر موسیقی و نمایش مخاطبان بیشتری به تماشای تئاتر دعوت کنیم.

وی افزود: اگر نخستین ارتباط بین هنرمند و مخاطب به صورتی درست برقرار نشود، تماشاگر را از دست خواهیم داد.

آبادیان با تاکید بر اینکه ارزشهای هنری با ارزشهای اقتصادی و سرگرمی در تضاد نیست، خاطرنشان کرد: با این تفکر به سراغ یکی از محبوب ترین نویسنده های جهان، نیل سایمون رفتیم کسی که از سال ۱۹۶۰ و در مقطعی دست به نوشتن برد که فرهنگ آمریکا بین مدرنیسم و پست مدرنیسم در کشاکش بود و مردم دچار فروپاشی هویت شده بودند.

کارگردان این نمایش با تاکید بر اینکه نیل سایمون به بحران معنویت می پردازد، ابراز داشت: تکیه بر این موضوع می تواند برای جامعه قابل تامل باشد و ضرورت اجرای آن در این برهه زمانی احساس می شود.

آبادیان با اشاره به اینکه در انتخاب گروه همه شرایط رعایت شده و بر آن بوده ایم با افرادی مطرح و چهره هایی شناخته شده و بومی به مخاطب شیرازی احترام بگذاریم و در کنار تماشای تئاتر آن ها را به شنیدن موسیقی زنده نیز دعوت کنیم.

وی درخصوص تلفیق موسیقی و تئاتر در این اثر گفت: با توجه به شناختی که از موسیقی دارم، میتوانم ضرورت وجود آن را در کارها درک کنم و از ابتدا موسیقی را لازمه این انمایش می دانستم.

کارگردان عاقبت عشاق سینه چاک خاطرنشان کرد: البته نباید از نظر دور داشت که به گونه ای از موسیقی زنده بهره برده ایم که نمایش را تحت الشعاع قرار ندهد و جذابیت اثر بیشتر شود؛ همچنین تاکید بر سکوت ها و حفظ آن ها به منزله اصلی مهم در نمایش رعایت شده است و هیچ موسیقی در زیر صدای بازیگر شنیده نخواهد شد.

شهره رستمی، بازیگر این نمایش نیز با بیان اینکه عاقبت عشاق سینه چاک به بحران های بشر عصر معاصر و سرگشتگی های آدمی می پردازد، افزود: امروز در جامعه افرادی هستند که درگیر این موضوع هستند و به همین دلیل بازی در این اثر برایم جالب است.

وی همچنین به وجود رگه هایی از طنز درآثار سایمون اشاره کرد و ابراز داشت: در آثار سایمون رگه هایی از طنز وجود دارد و همین سرگشتگی باعث میشود اثر جذاب تر شود.

در ادامه محسن آزادی دیگر بازیگر این نشست با بیان اینکه پذیرفتن این کار برایم در حکم راه رفتن روی لبه تیغ بود، تصریح کرد: با تئاتر بیگانه نبودم؛ اما پذیرش بازی در چنین اثری دو حالت دارد یا اعتبارت را از دست میدهی یا اعتبار بیشتری به دست می آوری. وی در ادامه با اشاره به اینکه نمایشنامه تب امروز جامعه است، گفت: به دلیل ارزشی که برای این کار قائلم دو برنامه را در شبکه تهران رد کردم و میخواهم به قدر خودم در جایی که نفس کشیدم، سهمم را ایفا کنم.

باد در بلوط های تماشاخانه هودی پیچید!

حسن دهقان: «این داستان را اول بار آسیابان پیری شنیده بود» صبح دیروز در تماشاخانه استاد هودی شیراز به روی صحنه رفت؛ نمایشی که رازق حسین نیا از شهرستان قیر و کارزین آن را کارگردانی و متن آن نوشته رضا گشتاسب است.

در این نمایش اعظم مرتضوی، شهاب الدین غضنفری، محمدرضا حیدری، زینب بهروزی، مهین جمشیدی، آیدا اسماعیلی و بهنام مرادی به ایفای نقش پرداخته اند و بازیگردانی آن را بهنام مرادی بر عهده داشته است.

تمرینات نمایش از خرداد ماه آغاز شده و گروه بیش از سه ماه برای اجرای آن به تمرینات جدی پرداخته است. رازق حسین نیا «این داستان را اول بار آسیابان پیری شنیده بود» را اثری سورئال توصیف می کند که نورپردازی در اجرای گروه نفیر قیر و کارزین نقش مهمی دارد.

اغلب اجزای صحنه از بالای پلاتو توسط دستیاران صحنه به روی صحنه منتقل و خارج می شود، همچنین نورپردازی توسط افراد مستقر در بالای صحنه و به صورت سیار انجام می شود.

گروه نفیر این نمایش را پیش از این در شهرستان مادری یعنی قیر و کارزین هم به روی صحنه برده و با استقبال خوبی مواجه شده است هرچند به گفته حسین نیا در هر اجرا به دلیل کوچکی پلاتوی این شهرستان تنها پانزده نفر مخاطب حضور داشته است.

فضای نمایش مربوط به اوهامات زنی است که پس از مرگ همسر دچار دیوانگی و جنون شده و فرزند خود را هم اسب می پندارد. او در فضایی گروتسک با شخصیت هایی متفاوت از خود روبرو است و با آن ها مواجهه ای جنون آمیز دارد. دیالوگ «باد در درختان بلوط می پیچد» که یکی از عبارت های تکرار شونده متن و زنِ داستان است که اوهاماتش را بیشتر نمایان می کند. متن به کشته شدن ناصرالدین شاه اشاره می کند و مرگ اعدام میرزا رضای کرمانی در دروان قاجار و وجود فضای سورئال نمایش مخاطب را به مرور با قصه اصلی آشنا می کند.

بازیگری در این نمایش به طور مطلوبی (لااقل در اجرایی که ما دیدیم) پابه پای متن پیش نمی رود با این وجود بازیگران به ویژه شخصیت اصلی توانسته است با اَکت های مناسب خلأهای موجود در فضای نمایش و تاریکی های مطلق که منجر به ریتمی کند می شود را جبران کند.

حسین نیا به خوبی از عهده میزانسن ها برآمده اما تجربه های پیشین او از نظر کارگردانی به نظر موفق تر این اثر می رسید. با تمام این تفاسیر به نظر می رسد مخاطبان راضی تماشاخانه هودی را ترک کردند.

جن گیری آنه میشل در تماشاخانه پور شکیبایی

نمایش «بیست و سومین جلسه جن گیری آنه میشل» دیروز در دومین روز از بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استان فارس در سه نوبت در تماشاخانه پورشکیبایی اجرا شد.

این نمایش کاری از مسعود احمدی و درامی مستند از یازده ماه پایانی زندگی «آنه لیز میشل» دختر جوان آلمانی که پس از ورود به دانشگاه دچار حملات صرعی جنون آمیز می شود که بر خلاف نظر پزشکان که آن را نوعی پارانویا تشخیص داده اند؛ به اعتقاد کشیش بخش او توسط ارواح تسخیر شده است و اجازه جن گیری توسط کلیسای مرکزی برای او دریافت می شود. سیامک کمالی، داریوش ثمر، پردیس شیروانی، لیلا دوکوهکی و شیما پورسهم الدین بازیگران این نمایش هستند.

روزنامه بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فارس

سردبیر: حسن دهقان

دبیر تحریریه: سمیرا متین نژاد

عکاس: شیوا عطاران

با تشکر از:

فیروزه بابا ملکی - الهه مرادی

مجری طرح: موسسه آفتاب مهر صبا فارس

مطالب، نقدها و یادداشت های خود در خصوص نمایش های جشنواره را به شماره ۰۹۱۷۸۱۲۴۷۸۴ تلگرام کنید!!
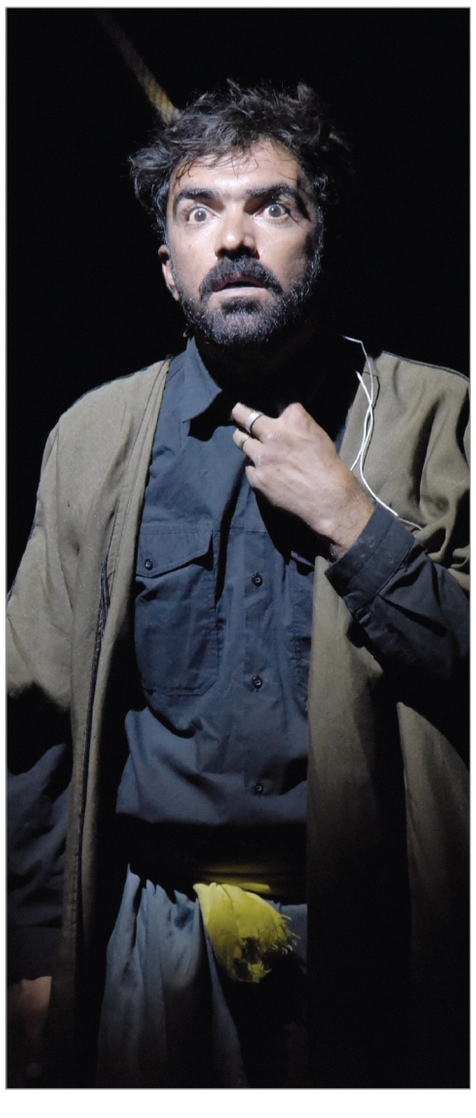
گزارش تصویری دومین روز جشنواره تئاتر فارس / عکس: شیوا عطاران